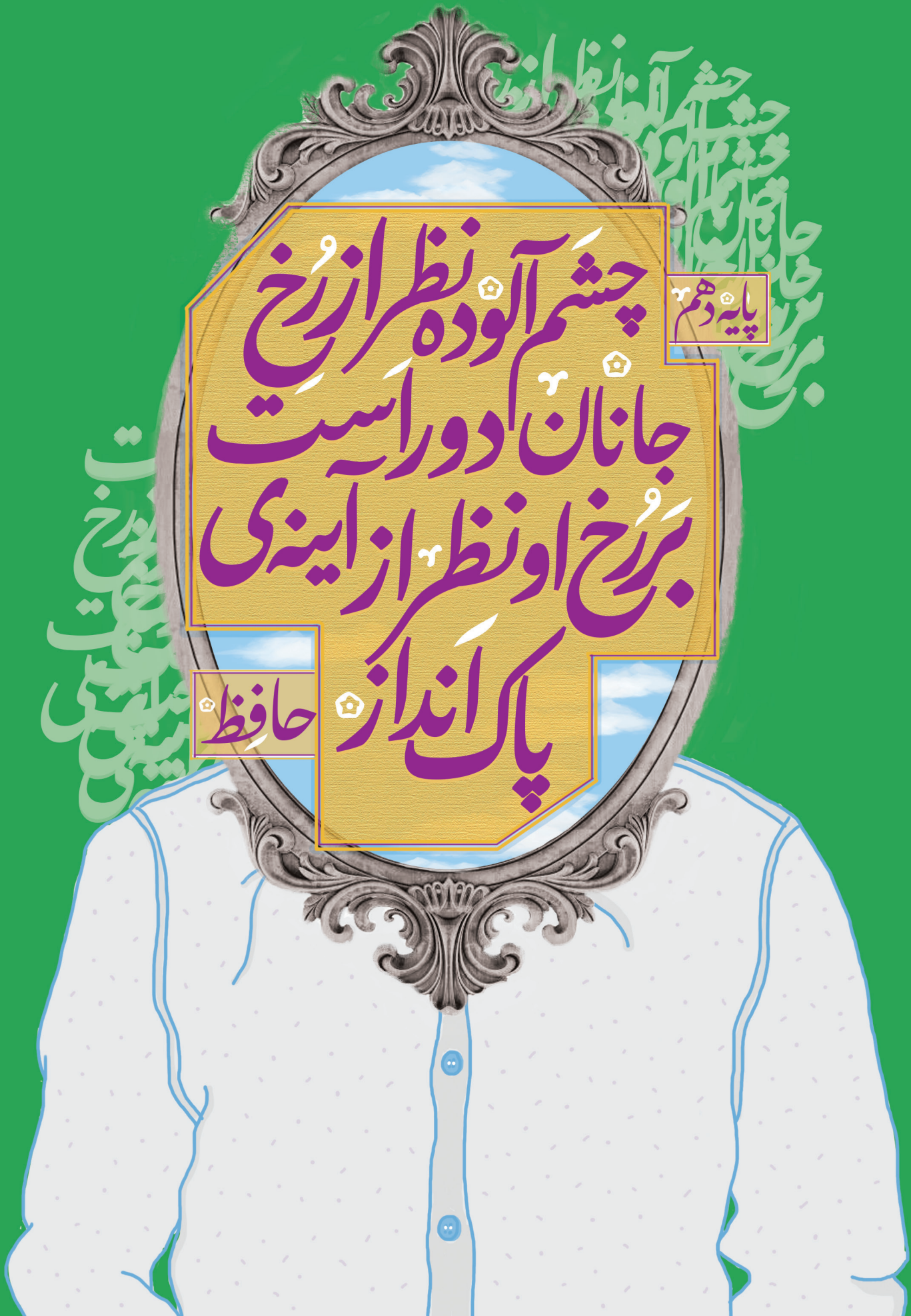


چشم آلوده نظر از رخ
جانان دور است
بر رخ او نظر از اینی
پاک انداز

پایہ دم

حافظ

حش آلوده نظر از رخ
جانان دور است
بر رخ او نظر از اینی
پاک انداز



۳۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) دهان کسی را دوختن: کنایه از باعث سکوت کسی شدن / پرده‌ری کردن: کنایه از رسوا کردن
- (۲) سر به مهر: معادل کنایه‌های دست‌نخورده و سربسته است.
- (۴) دل ربودن: کنایه از شیفته و عاشق کردن

۳۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) بوی شیر دادن دهان: کنایه از بی‌تجربگی و بچه بودن
- (۲) آب در هاون کوبیدن / ساییدن: کنایه از کار بیهوده کردن
- (۴) باد در سر داشتن: کنایه از مغرور بودن

۳۵ رنگ گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی**۳۶ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:**

- (۱) سلام خشک: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- (۲) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی
- (۴) صغیر گرم: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی

۳۷ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) شعر تر شیرین: شعر تر: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شعر شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- (۲) ترانه‌های شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / بهانه‌های رنگین: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی
- (۳) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی / شنیدن رنگ: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

۳۸ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۲) رنگینی گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی
- (۳) شیرین سخنی: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی
- (۴) بویی ندیدن: آمیختگی دو حس بویایی و بینایی

۳۹ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) ناله سوزنده: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- (۲) دشنام تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- (۴) رنگین سخنان: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۴۰ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) تلخ نشستن: «تلخی» مربوط به حس چشایی ست و با «نشستن» تناسب ندارد.
- (۳) نرم سخن گفتن: آمیختگی دو حس لامسه و شنوایی
- (۴) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

۴۱ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) زبان چرب (سخن چرب): آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / سلام خشک: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- (۲) سخن تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- (۳) خنده شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

۲۸ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) تشبیه درد عشق (مشبه) به زهر (مشبه‌به)
- (۲) تشبیه معشوق (مشبه) به سرو (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به بستان (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درد (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درمان (مشبه‌به)
- (۴) تشبیه رخسار معشوق (مشبه) به ماه (مشبه‌به) / تشبیه زلف معشوق (مشبه) به شب (مشبه‌به)
- ۲۹** واژه «چون» در این بیت در معنی «چگونه» به کار رفته و ادات تشبیه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) تشبیه عشق (مشبه) به آتش (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سوزاندگی)
- (۳) تشبیه شب (مشبه) به زلف یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سیاهی) / تشبیه روز (مشبه) به رخ یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سپیدی)
- (۴) تشبیه رخ یار (مشبه) به خورشید (مشبه‌به) (وجه‌شبه: نورانی بودن)

۳۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) این‌که غم، جامی از خون دلم نوشید و گفت: «این جام را به سلامتی کسی می‌نوشم که در این روزگار شاد است.» تشخیص است.
- (۲) این‌که تصویر خیالی چهره یار سخن بگوید، تشخیص است.
- (۴) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این‌که سلام برساند و سخن بگوید، تشخیص است.

۳۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) نسبت دادن بی‌وفایی و تبسم به گل، هم‌چنین فعل نالیدن به بلبل و مخاطب قرار گرفتن بلبل، تشخیص به‌شمار می‌رود.
- (۳) این‌که عشق بیاید و بر تخت دل بنشیند و عقل از آن تخت برخیزد، پدیدآورنده آرایه تشخیص است.
- (۴) این‌که ابر گریه‌کنان به باغ بیاید، آرایه تشخیص را به‌وجود آورده است.

- ۳۲** در این بیت چهار بار آرایه استعاره به‌کار رفته است؛ واژگان «عید، بهار، ماه و نگار (به معنی نقش و نگار)» همگی استعاره از معشوق‌اند.

- بشکن** مورد خطاب قرار گرفتن عناصر بی‌جان، تشخیص (جان‌بخشی) به شمار می‌رود، اما در شناسایی تشخیص باید توجه داشت که آن را با استعاره اشتباه نگیریم؛ ای روزگار (منظور: همان روزگار!) آرایه تشخیص / ای ماه من (منظور: معشوق): آرایه استعاره

- در گزینه (۳)، در حقیقت، شاعر با یک انسان (یار) گفت‌وگو می‌کند و تشخیص وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مورد خطاب قرار گرفتن روزگار و نیز این‌که روزگار بتواند فکری به حال خودش کند، بیانگر آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است.
- (۲) خندیدن گل نشان‌دهنده آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است، مخصوصاً این‌که با صدای بلند هم بخندد!
- (۴) ایستادن ابر و باران برای وداع و گریستن ابر، حاکی از وجود آرایه تشخیص (جان‌بخشی) در بیت است.

۴۲ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) صغیر گرم: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی
 (۲) بوی درد: آمیختگی حس شنوایی با حس باطنی «درد» / آه سرد: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
 (۳) جواب تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
پژمان در گزینه (۲) می‌توان «بوی درد» را نیز دارای نوعی حس آمیزی دانست؛ زیرا «بو» که با حس بویایی قابل درک است، به «درد» (غم و اندوه) که با هیچ‌کدام از حواس پنج‌گانه قابل درک نیست، نسبت داده شده است.

۴۳ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) ترانه‌های شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / بهانه‌های رنگین: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی
 (۲) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی
 (۴) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی
۴۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:
 (۱) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی
 (۲) سخن رنگین: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی
 (۳) گریه تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / خنده شکرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

۴۵ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) شیرین بودن خنده: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی / سخن گفتن شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
 (۲) شنیدن بو: آمیختگی دو حس بویایی و شنوایی
 (۳) دیدن صدا: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی
۴۶ لعل شیرین: لعل استعاره از لب است و شیرین بودنش حس آمیزی به شمار نمی‌رود.

شور برآوردن: کنایه از غوغا و هیاهو ایجاد کردن / شور در این بیت به معنی هیجان است و حس آمیزی نمی‌سازد.

آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- (۱) سخن تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
 (۲) گفتار بامزه: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
 (۴) حرف سرد: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه

۴۷ خون: مجاز از کشتن

۴۸ پیمانه: مجاز از شراب

۴۹ در این گزینه «سر» در معنی حقیقی خود (اندام فوقانی) به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) سر مجاز از اراده و قصد
 (۳) سر (اؤل) مجاز از جان و وجود شاعر / سر (دوم) مجاز از فکر و خاطر
 (۴) سر مجاز از نیت و تصمیم

۵۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) خون: مجاز از کشتن
 (۲) دست: مجاز از بخشی از دست (پنجه یا انگشت)
 (۴) سر: مجاز از قصد و اندیشه
۵۱ الهی‌نامه: عطار نیشابوری
۵۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): امید به فضل خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) امیدواری به وصال معشوق
 (۳) طلب مهربانی و عنایت از معشوق
 (۴) طلب وصال معشوق از خداوند / امید به وصال معشوق

۵۳ مفهوم گزینه (۱): اغراق در کوچکی دهان یار

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

وصف ناپذیری عشق و معشوق

۵۴ مفهوم گزینه (۲): ذکر معشوق (خدا) موجب آرامش دل عاشقان است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

- وصف ناپذیری خداوند / عجز انسان از توصیف خداوند
۵۵ مفهوم گزینه (۳): از کوزه همان برون تراود که در اوست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از شناخت و توصیف خداوند

۵۶ مفهوم گزینه (۱): وحدت وجود / بی‌همتایی خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از درک و شناخت خداوند

۵۷ مفهوم گزینه (۳): گله از بی‌ثباتی معشوق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از درک و وصف خداوند

۵۸ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): عجز انسان از درک و شناخت خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) ستایش آفرینندگی خداوند / هرچیزی براساس سرشت خدادادی خود عمل می‌کند.
 (۲) چشم، دریچه شناخت انسان است.
 (۴) کشش از طرف معبود، انگیزه عشق و عبادت است.

۵۹ مفهوم گزینه (۳): یگانگی خداوند / تنها وجود حقیقی در جهان هستی، خداوند است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ناتوانی و عجز انسان از درک خداوند

۶۰ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): ناتوانی انسان از درک و توصیف خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) ناتوانی عاشق از دست‌یابی به معشوق
 (۳) زندگی واقعی با فنا شدن به‌دست می‌آید.
 (۴) شادی‌آور بودن غم عشق / غم‌طلبی عاشق

۷۲ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): تواضع و یاری هموعان به انسان ارزش می‌بخشد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) ارزشمندی وجود معشوق

(۳) ناپایداری قدرت دنیوی

(۴) انسان بنده محبت است.

۷۳ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): توجه به فروتنی / تواضع و خاکساری موجب پیروزی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) برای رسیدن به خدا باید از وجود مادی گذشت.

(۳) ناپایداری دنیا

(۴) سعادت‌مندی و اقبال

۷۴ ۳ مفهوم گزینه (۳): غلبه عشق بر عقل / تقابل عشق و عقل

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری

۷۵ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): ضرورت دوران‌اندیشی و عاقبت‌اندیشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) در برابر عشق نمی‌توان مقاومت کرد.

(۲) ناآگاهی انسان‌ها از سرنوشت

(۴) درد عشق درمان‌ناپذیر است.

۷۶ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ضرورت عاقبت‌اندیشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ضرورت قناعت‌ورزی

(۳) گله از بخت بد

(۴) شکوه از هم‌سازی روزگار با نادانان

۷۷ ۴ مفهوم گزینه (۴): نکوهش ظاهرینی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری

۷۸ ۳ مفهوم گزینه (۳): برای رسیدن به خواسته و هدف باید سختی‌های بسیار کشید.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی در کارها

۷۹ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ناامید نشدن از مزایای خرد و فضل در هنگام بلا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عجز تدبیر عقل در راه عشق

(۳) عاقبت وخیم تکبر و غفلت

(۴) نکوهش فراموش کردن یاران هنگام سختی

۶۱ ۲ مفهوم گزینه (۲): احاطه علم خداوند بر حقایق پیدا و پنهان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی وجود خداوند در پدیده‌های جهان

۶۲ ۴ مفهوم گزینه (۴): شیفتگی و سرگشتگی عاشق / زیبایی معشوق موجب کشش عاشق است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۳ ۳ مفهوم گزینه (۳): بی‌تعلقی وارستگان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۴ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): تجلی خداوند در پدیده‌های جهان
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) و (۲) جنبش و پویایی طبیعت به‌خاطر وجود معشوق است. شورانگیزی عشق
(۴) گدازندگی غم عشق

۶۵ ۲ مفهوم بیت‌های گزینه (۲): الف کمال‌بخشی عشق به وجود عاشق / پ) طلب جلوه‌گری از معشوق

مفهوم مشترک سایر بیت‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۶ ۱ مفهوم گزینه (۱): روزی‌رسانی فراگیر خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

آفرینش انسان از گل

۶۷ ۳ مفهوم گزینه (۳): گستاخی در برابر خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بخشش پروردگار و روزی‌رسانی او

۶۸ ۴ مفهوم گزینه (۴): وصف جمال یار / خودشیفتگی موجب سرکشی‌ست.

مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش غرور و سرانجام بد انسان مغرور

۶۹ ۴ مفهوم گزینه (۴): ضعف و زبونی و تفاوت آن با تواضع

مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و سایر گزینه‌ها:

تکبر موجب نابودی‌ست.

۷۰ ۳ مفهوم بیت‌های سؤال و گزینه (۳): ستایش افتادگی و تواضع / افتادگی موجب سعادت و بلندمرتبی می‌شود.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) خوش‌اقبال از بی‌کسی خوار نمی‌شود.

(۲) نکوهش حرص و طمع

(۴) قدرت در ثروت است.

۷۱ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): فروتنی موجب کمال است.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دشمنی اهل روزگار با اهل فضل

(۲) دلواپسی‌های عاشقانه

(۳) امیدواری به بخشاینده‌ی خداوند

- ۸۰ ۳ معنی درست واژه‌ها: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجّه؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن / مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل / مولع: شیفته، بسیار مشتاق، آزمند / نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده
- ۸۱ ۴ معنی درست واژه‌ها: کول: کتف، دوش / معالی: بزرگواری، بلندقدری‌ها / سراسیمه: هراسان، سرگردان، آشفته و سرگشته، پریشان حال / مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل
- ۸۲ ۳ معنی درست واژه‌ها: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجّه؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن / مولع: شیفته، بسیار مشتاق، آزمند
- ۸۳ ۲ معنی درست واژه‌ها: پَرّ و پَرّ: با دقّت، خیره‌خیره / قربات: خویشی، خویشاوندی / تل: پشته، تپه بلند
- ۸۴ ۲ نهاد (سرشت)، نهاد (فعل ماضی به معنی «قرار داد»)
- ۸۵ ۳ سو (مصراع اوّل) (سمت و جانب)، سو (مصراع دوم) (نور، روشنایی)
- ۸۶ ۲ داد (اوّل، حق)، داد (دوم و سوم، بن ماضی فعل)
- ۸۷ ۳ داد: فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) داد (عدل) / داد (فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)
- ۲) داد (اوّل و سوم، فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)، داد (دوم، حق)
- ۴) داد (حق)، داد (فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)
- ۸۸ ۳ باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی از مصدر «بودن»)
- ۸۹ ۱ باد: جریان هوا
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۳، ۴ و ۲) باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی از مصدر «بودن»)
- ۹۰ ۲ املای درست واژه‌ها: طَبَع: سرشت، نهاد (تَبَع: تبعیت، پیروی - پیروان) / خواسته: طلب شده (خاسته: بلندشده)
- ۹۱ ۴ املای درست واژه: مستغنی: بی‌نیاز
- ۹۲ ۳ املای درست واژه: غریب: ناآشنا (قریب: نزدیک)
- ۹۳ ۴ املای درست واژه: غصه: غم (قصه: داستان)
- ۹۴ ۳ املای درست واژه: رسا: بلند (رثا: سوگ سروده)
- ۹۵ ۲ املای درست واژه: رعشه: لرزش
- ۹۶ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) می‌روم
- ۳) برمی‌گردم / می‌بینم
- ۴) نمی‌دهد / می‌کنی
- ۹۷ ۴ داشته باشید: ماضی التزامی / تحصیل می‌کردم: ماضی استمراری / سر ... بزنبم: مضارع التزامی
- بقتضی فعل «داشته باشید» با توجّه به مفهومش در جمله، مسلماً ماضی التزامی نیست! این فعل، هم در معنی و هم از نظر ساختار، در واقع، «فعل امر» است و فعل امر از مصدری مانند «داشتن» به همین صورت ساخته می‌شود. متأسفانه تسلط نداشتن طراح به موضوع مورد سؤال - زمان افعال - و در این مورد، ناآشنایی ایشان با گونه‌های خاص ساخت فعل امر، سبب چنین خطایی شده است. به هر حال، با توجّه به ظاهر بینی طراح کنکور و همین طور، با ردّ گزینه‌های نادرست، ناچار باید گزینه (۴) را پاسخ مناسب در نظر گرفت.
- ۹۸ ۱ حذف به قرینه معنوی: امروز روز شادی [است] و امسال سال گل [است].
- ۹۹ ۲ بررسی حذف فعل در گزینه (۲): راهزنان، عاجز [بودند] و من زورمند [بودم] (حذف فعل به قرینه معنوی)
- ۱۰۰ ۲ یا سخن دانسته گو ای مرد دانا [به تو می‌گویم] یا خموش [باش]
- ۱۰۱ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) حذف فعل: پیراهن برگ بر درختان چون جامه عید نیک‌بختان [است]
- ۳) حذف فعل و علامت تفضیل: اسب تازی اگر ضعیف بود همچنان از طولیله‌ای خر به [تر است]
- ۴) حذف فعل: زبان در دهان ای خردمند چیست؟ کلید در گنج صاحب هنر [است]
- ۱۰۲ ۳ بفرمود گنجینه گهرش / فشاندند در پای و زر بر سرش [فشاندند]
- ۱۰۳ ۳ به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم که] دانم که تا ز چشم برفتی / به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم
- ۱۰۴ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن / که پیش طایفه‌ای مرگ به که (از) بیماری [است]
- ۳) چشمی که جمال تو ندیده‌ست چه دیده‌ست / افسوس [می‌خورم] بر اینان که به غفلت گذرانند
- ۴) به دوستی [سوگند می‌خورم] که ز دست تو ضربت شمشیر / چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول
- ۱۰۵ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲) که یارب [از تو می‌خواهم] بر این بنده بخشایشی [کن] / کز او دیده‌ام وقتی آسایشی
- ۳) یکی شخص از این جمله در سایه‌ای [بود] / به گردن بر از حله پیرایه‌ای [داشت]
- ۴) بداندیش را جاه و فرصت مده / عدو در چه [باشد] و دیو در شیشه [باشد] به [است]
- ۱۰۶ ۱ حذف به قرینه معنوی در سایر گزینه‌ها:
- ۲) فروغ رای تو مصباح راه‌های مخوف [است]. / عنان عزم تو مفتاح ملک‌های حصین [است].
- ۳) ابر رحمت بر تو باران [بازنده] [باد] روح راحت بر روان والدین [باد]
- ۴) بخت را با دوستانت آفاق [باد] / چرخ را با دشمنت حرب حنین [باد]

۱۱۵ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) بنشین ≠ برخیز (۳) شادی ≠ غم (۴) می‌روند ≠ می‌آیند

۱۱۶ ۳ تضاد: دشمن ≠ دوست / هست ≠ نیست / درد ≠ درمان / رنج ≠ راحت / بی‌قراری ≠ سکون (۵ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کینه ≠ مهر / دشمن ≠ دوست / هست ≠ نیست (۳ مورد)

(۲) سرد ≠ گرم / پژمرده ≠ تازه / پیر ≠ جوان (۳ مورد)

(۴) شادی ≠ غم / سور ≠ ماتم / درد ≠ درمان (۳ مورد)

۱۱۷ ۱ عنصرالمعالی به پسرش می‌گوید: «تا می‌توانی از نیکی کردن دست بردار و خودت را به خوبی و نیکوکاری به مردم نشان بده و هنگامی که این کار را کردی، برخلاف آن رفتار نکن.»

۱۱۸ ۴ مفهوم مشترک حدیث شریفه و گزینه (۴): ضرورت آخرت‌اندیشی و خودحسابی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) لطف اجباری

(۲) ادعای عشق‌ورزی بیش از سایرین

(۳) رنج‌آور بودن پیری

۱۱۹ ۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۱): آخرت‌اندیشی و خودحسابی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بهار نشانه و دلیلی بر وجود قیامت است.

(۳) نکوهش حرص و بخل

(۴) اعمال نیک موجب سعادت اخروی است.

۱۲۰ ۲ مفهوم مشترک ترکیب سؤال و گزینه (۲): ریاکاری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) مناعت طبع

(۳) عافیت در گمنامی و فنای خود است.

(۴) توصیه به ترک زهد خشک و دعوت به عشق‌ورزی

۱۲۱ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): نکوهش ریاکاری و عدم خلوص

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) اول اندیشه، وان‌گهی گفتار

(۲) لزوم اندیشیدن و تأمل پیش از سخن گفتن

(۴) پرهیز از غرور ورزیدن و بیهوده‌گویی

۱۲۲ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): نکوهش ریا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عاشق به جز معشوق، هیچ چیز نمی‌بیند.

(۳) تنها حقیقت در جهان هستی، خداوند است.

(۴) هرچه بکاری همان را درو می‌کنی.

۱۰۷ ۴ در این گزینه می‌توان حذف را به «قرینه لفظی» دانست:

از مقامات تا ثریا هم‌چنان [است] که از ثریا تا ثری فرق و بین (جدایی) است.

حذف به قرینه معنوی در سایر گزینه‌ها:

(۱) آسمان در زیر پای همتت فرقدین [را] بر زمین مالنده [است].

(۲) ای [کسی که] محافل را به دیدار تو زین [است] طاعتت بر هوشمندان فرض عین (واجب) [است].

(۳) ای [کسی که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [است] یا [شده است] / نیک‌نامی [ات] منتشر در خافقین [است]. یا [شده است].

۱۰۸ ۳ به دو چشم تو [سوگند می‌خورم]

۱۰۹ ۳ خدمتت را هر که فرمایی کمر بندد به طوع / لیکن آن بهتر [است] که فرمایی به خدمتگار خویش

۱۱۰ ۴ در بند تو از رهایی خوش‌تر [است]

۱۱۱ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) می‌خوری به [تر است] که روی طاعت بی‌درد کنی / اندکی درد به [تر است] از طاعت بسیار مرا

(۳) من ای صبا [با تو ام] ره رفتن به کوی دوست ندانم / تو می‌روی به سلامت [بروی] سلام من برسانی

(۴) شکر خدا [را می‌کنم] که خصم تو را بر جگر نشست / آن تیرها که خواست تو را بر سپر زند

۱۱۲ ۱ در گزینه (۱) حذف به قرینه «لفظی» دیده می‌شود: زان روی [زلف تو] از فرق تا قدم بسته داردم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) ای [کسی که] پشت من ز عشق تو چون ابروی تو کوژ [است]. وی [کسی که] بخت من ز یمن تو چون چشم تو دژم [است]

(۳) ای [کسی که] در خجالت رخ و زلف تو [اند] روز و شب. وی [کسی که] در حمایت لب و چشم تو [اند] شهد و سم

(۴) ای [کسی که] در دلم خیال تو شکی به از یقین [است]. وی [کسی که] در سخن لب تو وجودی کم از عدم [است]

۱۱۳ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نه آگاهی [است] از این گشتن فلک را / نه جنّ و انس و شیطان و ملک را از آن آگاهی [است]

(۲) پرتو نور تو نور آسمان [است].

(۴) ای [که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [شده است] نیک‌نامی در خافقین منتشر [شده است].

۱۱۴ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) نیک‌خو ≠ نانیک‌خو / مهربان ≠ نامهربان

(۳) رسید ≠ نرسید

(۴) آب ≠ آتش

۱۲۳ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): نکوهش ریاکاری
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ارزش وجودی انسان در عاشق بودن است.

(۲) امید به وصال، موجب شیرینی هجران است.

(۳) کاری خوش تر از عشق نیست.

۱۲۴ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): پرهیز از ریاکاری و تزویر
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دنیاطلبی موجب غافل شدن از یاد خداوند است.

(۲) جمال پرستی

(۳) وحدت وجود / تجلی وجود خداوند در تمام پدیده‌ها

۱۲۵ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): نکوهش ریاکاری و تزویر
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ضرورت توجه جوینده حق - اعم از عارف و مؤمن و نظایر این‌ها - به «دل»

(۳) تسلیم بودن عاشق در برابر امر معشوق

(۴) عشق، قابل بیان کردن و شرح و توضیح نیست.

۱۲۶ ۱ مفهوم عبارت سؤال: نکوهش ریاکاری

مفهوم گزینه (۱): دعوت به ریاکاری!

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بی‌تعلقی عاشقان

(۳) انجام هر کار، به‌طور کامل

(۴) راز عشق تنها با اجازه دل فاش می‌شود!

۱۲۷ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): امیدواری / آسایش پس از سختی
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) مزده رسیدن معشوق

(۲) تغییر اوضاع از مطلوب به نامطلوب / ناپایداری قدرت دنیوی

(۳) تأثیر عنایت معشوق

۱۲۸ ۴ مفهوم گزینه (۴): امید، همیشه ثمربخش نیست.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بعد از هر سختی، آسانی است. / دعوت به امیدواری

۱۲۹ ۱ مفهوم گزینه (۱): حُسن خُلق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

در پس هر سختی، آسانی است. / دعوت به امیدواری

۱۳۰ ۲ مفهوم گزینه (۲): دنیا مزرعه آخرت است. / آخرت‌اندیشی
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت امیدواری / در پس هر سختی، آسانی است.

۱۳۱ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): در پس هر سختی، آسانی
است. / ضرورت امیدواری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دشمنی روزگار با انسان‌ها / در پس هر آسانی، سختی است.

(۲) انسان سختی‌ندیده، بیشتر در معرض رنج است.

(۳) جمع اضداد، ناممکن است. / ستایش ممدوح

۱۳۲ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): دعوت به امیدواری / در پس
هر سختی، آسانی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) معشوق، تنها پناهگاه عاشق است / تسلیم عاشق در برابر ستم معشوق

(۲) عجز انسان از تغییر تقدیر و سرنوشت

(۳) بخشاینده‌گی و روزی‌رسانی خداوند

۱۳۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): تقابل عشق و عقل
مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش دانش‌اندوزی

۱۳۴ ۴ مفهوم گزینه (۴): تقابل عشق و عقل
مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش دانش‌اندوزی

۱۳۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): غلبه عشق بر عقل / تقابل عشق و عقل
مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

۱۳۶ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ضرورت عاقبت‌اندیشی
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ضرورت قناعت‌ورزی / نکوهش حرص و طمع

(۳) گله از بخت بد

(۴) شکوه از سازگاری روزگار با نادانان

۱۳۷ ۴ مفهوم گزینه (۴): نکوهش ظاهرینی
مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

۱۳۸ ۳ مفهوم گزینه (۳): برای رسیدن به خواسته و هدف باید سختی‌های
بسیار کشید.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

۱۳۹ ۲ مفهوم گزینه (۲): دشواری فراهم شدن شرایط خوشی و شادمانی
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری غم و شادی و به‌طور کلی احوال روزگار، و توصیه به خوش‌باشی

۱۴۰ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): گذران بودن احوال جهان
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دل‌گرمی دادن به مخاطب (هرکه هست، بدون اشاره به اصل ماجرا در مثنوی
معنوی) و آوردن مزده جان‌بخشی و نشاط‌آفرینی

(۲) توصیف غم و درد عشق

(۳) بهبود اوضاع و تغییر شرایط نامطلوب به مطلوب

۱۴۱ ۱ مفهوم گزینه (۱): غم‌پرستی
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی و بی‌توجهی به غم

۱۴۲ ۱ مفهوم گزینه (۱): ناتوانی و ضعف شاعر

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی

۱۴۳ ۲ مفهوم گزینه (۲): ضرورت درویش‌نوازی و توجه به افتادگان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی و دوری از غم و اندوه

۱۴۴ ۲ مفهوم گزینه (۲): نکوهش بی‌غمی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

دعوت به خوش‌باشی و اغتنام فرصت

۱۴۵ ۲ مفهوم گزینه (۲): نکوهش تعلقات دنیوی / سیری‌ناپذیری حرص

مفهوم مشترک رباعی سؤال و سایر گزینه‌ها:

ناپایداری دنیا

۱۴۶ ۴ معنی درست واژه‌ها: ضامن: ضمانت‌کننده، کفیل، به عهده‌گیرنده / غرامت /

عمارت کردن: بنا کردن، آباد کردن، آبادانی / نجابت: اصالت، پاک‌منشی، بزرگواری /

تناور: تنومند، فربه، قوی جثه

۱۴۷ ۲ معنی درست واژه‌ها: رفیع: بلند، مرتفع / حضيض: جای پست در زمین

یا پایین کوه، فرود / سخره: مسخره کردن، ریشخند

۱۴۸ ۴ معنی درست واژه در سایر گزینه‌ها:

(۱) کاینه: موجود

(۲) مکین: جاگرفته؛ جای‌گیر

(۳) فلق: سپیده صبح، فجر (شفق: سرخی افق پس از غروب آفتاب)

۱۴۹ ۲ املاي درست واژه: ضلالت: گمراهی، گمراه کردن

۱۵۰ ۲ املاي درست واژه‌ها: حق‌گزاری: به‌جا آوردن و ادا کردن حق / سخره:

مورد تمسخر (سخره: سنگ بزرگ و سخت)

۱۵۱ ۱ املاي درست واژه: امارت: فرمان‌روایی (عمارت: بنا)

۱۵۲ ۲ املاي درست واژه‌ها: ضلالت: گمراهی / گذاردن (روزگار): گذراندن و

سپری کردن (روزگار)

۱۵۳ ۱ املاي درست واژه: عمارت: ساختمان (امارت: فرمان‌روایی، امیر بودن)

۱۵۴ ۴ املاي درست واژه: عمارت: بنا کردن، آباد کردن، آبادانی، ساختمان

۱۵۵ ۴ املاي درست واژه: عمارت: ساختمان، بنا (امارت: فرمان‌روایی)

۱۵۶ ۲ درویشان: مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در دلی به هنر خویش را بگنجانی / گنجاندن (چیزی را در جایی) / دل: متمم

(۳) یک ساعتم بگنجان در سایه عنایت / گنجاندن (چیزی را در جایی) / سایه: متمم

(۴) از آب بترسد ماهی / ترسیدن (از چیزی) / آب: متمم

۱۵۷ ۴ آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم / آوردن (چیزی را) / آدم: نهاد

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شربت نوش آفرید از مگس نحل / آفریدن (چیزی را) / شربت: مفعول

(۲) با نیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق / گفتن (چیزی را به کسی) / سوز: مفعول

(۳) شراب خوری / خوردن (چیزی را) / شراب: مفعول

۱۵۸ ۴ چو حافظ گنج او در سینه دارم / داشتن (چیزی را) / گنج: مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) برد باد غبارم / بردن (چیزی را) / باد: نهاد

(۲) وز در کوی تو پرسند رفیقان خبرم / پرسیدن (چیزی را از کسی) / رفیقان: نهاد

(۳) من کی رسم به وصل تو / رسیدن (به چیزی یا جایی) / من: نهاد

۱۵۹ ۱ شاعر در این بیت ادعا می‌کند که پسته به این خاطر لب‌بسته است که

نمی‌تواند مانند یار سخنان شیرین بگوید.

۱۶۰ ۴ شاعر دلیل خمیدگی کهنسالان را در این می‌داند که ایشان در خاک

به دنبال جوانی گم‌شده خود می‌گردند!

۱۶۱ ۲ شاعر در این بیت مدعی می‌شود دلیل وجود گوهرها (ستارگان) در آسمان

این است که آسمان می‌خواهد هر صبح هدیه‌هایی را به پای معشوق نثار کند.

۱۶۲ ۲ شاعر در این بیت شب‌نم را عرق شرمی می‌داند که گل پس از دیدن

زیبایی معشوق بر خاک ریخته است.

۱۶۳ ۴ شاعر در این بیت دلیل سیاهی پوشش خانه کعبه را دل‌سوختگی و

ماتم او در عشق لاله‌رویان دانسته است.

۱۶۴ ۳ این‌که شاعر دلیل گریستن ابر چشم‌های خود را پنهان بودن معشوق چون

ماهش در میان ابرها می‌داند، دلیلی شاعرانه و پدیدآورنده آرایه «حسن تعلیل» است.

۱۶۵ ۴ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

(۱) دلیل سرخی صبح، خون گریستن در وداع با شب است.

(۲) شاعر در این بیت سیاهی زلف معشوق را به خاطر ماتم و عزای عاشقانی می‌داند

که با تیغ نگاهش از پا درآمده‌اند.

(۳) سبب روشنی جهان، نفس کشیدن شاعر است.

۱۶۶ ۴ در این گزینه برخلاف سایر گزینه‌ها، برای یک رویداد یا حالت، دلیل

شاعرانه‌ای تراشیده نشده است.

آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

(۱) شاعر در این بیت دلیل برآمدن گل‌ها از خاک را مدفون شدن گل‌اندامان

(زیبارویانی که اندامی به لطافت گل دارند) در خاک دانسته است.

(۲) شاعر چهره معشوق خود را به قرص ماه دوهفته تشبیه کرده و علت غروب

کردن آفتاب را آشکار شدن رخسار معشوق و شرمندگی خورشید از جلوه‌گری در

حضور معشوق می‌داند.

(۳) شاعر دلیل سرخی اشک خود را خجالت‌زدگی و شرمساری اشک به خاطر افشا

شدن رازش دانسته است.

۱۶۷ ۱ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

(۲) دلیل بی‌ثمری سرو، «آزادگی» آن اعلام شده است!

(۳) علت گریستن ابرها، بهانه‌جویی آن‌ها و دل‌تنگی‌شان برای وجود مبارک امام

عصر (عج) معزفی شده است.

(۴) شاعر سبب خلوت‌گزیدن زاهدان را در این می‌داند که زیبارویان، دین و دنیا

را از انسان می‌گیرند.

۱۶۸ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۲) دلیل روییدن گلنار، برطرف کردن تاریکی سایه انبوه درخت معزفی شده است.
- ۳) علت بارش باران، گریستن ابر به خاطر مشاهده بدعهدی ایام دانسته شده است.
- ۴) سبب خلوت گزیدن زاهدان، ربودن دنیا و دین و عقل به وسیله شاهدان (زیبارویان) اعلام شده است.

۱۶۹ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۱) شاعر دلیل سرخ بودن دهان پسته را حسادت وی بر لب سرخ معشوق می‌داند.
- ۲) شاعر دلیل باریدن (گریستن) ابرها و جابه‌جایی (بی‌قراری) باد را عاشق شدن آن‌ها دانسته است.
- ۳) شاعر دلیل باز نشدن صدف را شرم کردن وی از نطق و سخنان معشوق می‌داند.

۱۷۰ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۱) شاعر علت سخن‌پردازی کردن درباره غیرمعشوق را این می‌داند که معشوق در میان جان است و دیگران بر سر زبان.
- ۲) شاعر در این بیت سیاهی زلف معشوق را به خاطر ماتم و عزای عاشقانی می‌داند که با تیغ نگاهش از پا درآمده‌اند.
- ۳) شاعر دلیل حرکت ناموزون باد را بی‌تابی آن به خاطر ندیدن چهره معشوق می‌داند.

۱۷۱ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۲) شاعر در این بیت دلیل پیچ و تاب گل نرگس را مست بودن وی می‌داند.
- ۳) شاعر دلیل سخن‌نگفتن از معشوق را قرار گرفتن او (معشوق) در میان جان خود دانسته است.
- ۴) شاعر دلیل سرخ بودن غنچه و شکوفایی گل را شنیدن داستان هجران از زبان مرغ چمن می‌داند.

۱۷۲ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۱) شاعر دلیل خمیده بودن گل نرگس را مست شدن او در اثر وزیدن نسیمی از جانب دوست می‌داند.
- ۲) شاعر دلیل سرخ بودن گل‌ها را خون شدن جگر و جان باختنشان در فراق معشوق می‌داند.

- ۴) شاعر دلیل سیاه بودن میان گل لاله (سوختن دهان لاله تا به سینه) را بوسه معشوق می‌داند.

۱۷۳ آرایه حسن تعلیل در سایر گزینه‌ها:

- ۱) شاعر در این بیت، تنها دلیل موجهی را که باعث می‌شود گل‌ها گریبان خود را چاک کنند (کنایه از «بی‌تابی و بی‌قراری کنند») این می‌داند که سخنی از لب معشوق به آن‌ها بگوید و حال که چنین سخنی نگفته، گریبان دریدن آن‌ها را بیهوده می‌پندارد.
- ۲) شاعر دلیل بسته نشدن برگ‌های گل (غنچه نشدن گل) را شادی بی حد و حصر گل در اثر تشبیه روی معشوق به آن می‌داند.

- ۴) شاعر در این بیت دلیل بارش ابر را شرمساری ابر از گریستن خود (شاعر) می‌داند.

۱۷۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) بنشین \neq برخیز
- ۳) شادی \neq غم
- ۴) می‌روند \neq می‌آیند

۱۷۵ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) دشنام و نفرین \neq دعا / تلخ \neq شکرخا
- ۲) دشمن \neq دوست / مستی \neq مستوری
- ۴) هستم \neq نیستم / بروم \neq نروم
- ۳) تضاد: آب \neq آتش / حلم \neq خشم / خیر \neq شر / صلح \neq جنگ / رنج \neq راحت / مهر \neq کین / حل \neq عقد (۷ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) پست \neq بلند / مست \neq هوشیار (۲ مورد)
- ۲) دشمن \neq دوست / خوب \neq بد (۲ مورد)
- ۴) روز \neq شب / شادی \neq غم (۲ مورد)
- ۳) کنایه: دل به کسی بستن، کنایه از شیفته او شدن / تشبیه: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) کنایه: بر باد دادن کنایه از نابود کردن / تشبیه: تشبیه خود [شاعر] (مشبه) به گرد (مشبه‌به)
- ۲) کنایه: پرده دریدن کنایه از آشکار ساختن و رسوا کردن / تشبیه (اضافه تشبیه‌ی): پرده پندار: تشبیه پندار (مشبه) به پرده (مشبه‌به)
- ۴) کنایه: دست از چیزی کوتاه کردن و کوتاه‌دستی کنایه از قطع تعلق کردن از آن / تشبیه: تشبیه تو [مخاطب] (مشبه) به خواجو (مشبه‌به)

- ۲) ایهام: شیرین: ۱۵ شیرین خانم ۲۵ لذت‌بخش، مزه شیرین / تشبیه: لب (مشبه) چون (ادات تشبیه) شکر (مشبه‌به) (وجه‌شبه: شیرینی)

- ۴) تضاد: بیت «پ»: شاه \neq گدا / تضمین: بیت «ب»: شاعر در این بیت بخشی از آیه (۸) سوره بینه را در کلام خویش عیناً به کار برده است. / ایهام: بیت «الف»: بو: ۱۵ رایحه ۲۵ امید و آرزو

- ۴) نام پدیدآورندگان آثار: سیاست‌نامه: خواجه نظام‌الملک توسی /

گوشواره عرش: موسوی گرمارودی

- ۳) مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و گزینه (۳): عجز عقل از درک عظمت ممدوح

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) دعوت به یکتاپرستی جاودان
- ۲) وجود ممدوح موجب گشایش و آسان شدن دشواری‌هاست.
- ۴) نابودی آفریده‌ها و جاودانگی خداوند

- ۲) مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و گزینه (۲): عجز عقل از درک عظمت ممدوح

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) ستایش عظمت مقام ممدوح و توجه به حفظ حرمت او
- ۳) نکوهش حرص و دنیاطلبی
- ۴) ستایش ممدوح / وجود ممدوح موجب گشایش و برطرف شدن مشکلات است.

- ۴) مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و گزینه (۴): عجز عقل از درک عظمت ممدوح

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) بی‌عیب و نقص بودن جلوه جمال معشوق
- ۲) ستایش عظمت مقام ممدوح
- ۳) توجه به ضعیف‌نوازی و دستگیری از فرودستان در عین قدرت

۱۹۲ ۱ معنی عبارت سؤال: او (امام حسین (ع)) خوش را در راه تو داد تا بندگان را از گمراهی و سرگردانی نادانی نجات بخشد. / مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۱): شهادت امام حسین (ع) موجب نجات انسان‌ها از گمراهی‌ست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) بزرگی و نابخشودنی بودن گناه اشقیا (خطاب به ابن‌زید)

(۳) نکوهش یاری رساندن به ظالمان

(۴) در سوگ نشستن کائنات در شهادت امام حسین (ع)

۱۹۳ ۴ مفهوم گزینه (۴): عدالت موجب حفظ شخص عادل است.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

توصیه به عدل و دادگری

۱۹۴ ۳ مفهوم گزینه (۳): نکوهش ظلم کردن به خویشان / خودالقایی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ظلم‌ستیزی

۱۹۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): اتحاد پدیده‌های متضاد

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ظلم‌ستیزی

۱۹۶ ۱ مفهوم گزینه (۱): اختیار مطلق معشوق و تسلیم عاشقانه

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توجه به عدل و دادگری

۱۹۷ ۳ مفهوم گزینه (۳): خداوند‌گشاینده مشکلات و دشواری‌هاست.

مفهوم مشترک بیت سؤال سایر گزینه‌ها:

توصیه به عدل و دادگری

۱۹۸ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): نیکی با زیردستان موجب

والامقامی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) کرم و بخشندگی ممدوح

(۳) ناامیدی از خیر فرومایگان

(۴) وحدت وجود

۱۹۹ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): نکوهش بی‌ثمری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) هر پدیده‌ای بر اساس سرشت خود عمل می‌کند. / مقدمه‌چینی برای ستایش

ممدوح

(۳) ثمر داشتن موجب نابودی است.

(۴) توصیف طبیعت فصل بهار

۲۰۰ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): نکوهش بی‌ثمری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) پاک‌بازی بی‌نظیر عاشق

(۳) ملامت‌کشی عاشق

(۴) دشمنی روزگار با شاعر

۱۸۴ ۳ مفهوم گزینه (۳): بی‌قراری از نبود ممدوح / ناتوانی از برشمردن

نیکی‌های ممدوح

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عجز عقل از درک عظمت ممدوح

۱۸۵ ۴ مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و گزینه (۴): عجز عقل از درک عظمت ممدوح

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش و کشورگشایی ممدوح

(۲) ستایش گفتار و نوشتار پرنغز ممدوح

(۳) ستایش شیرین‌سخنی معشوق

۱۸۶ ۱ مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و بیت‌های گزینه (۱): عجز عقل و ادراک

از درک عظمت وجود ممدوح

مفهوم سایر بیت‌ها:

(الف) گله از بی‌وفایی و دمدمی مزاج بودن معشوق!

(ب) از کوزه همان برون تراود که در اوست

۱۸۷ ۲ مفهوم عبارت سؤال: شرافت و ارزش هر مکان به کسی است که در آن جای

می‌گیرد. این مفهوم را از «ارزشمند بودن گودال» در گزینه (۲) نیز می‌توان دریافت.

۱۸۸ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ارزش هر مکانی به چیزی

است که در آن قرار می‌گیرد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش آزادگی

(۳) دعای دوام دولت و خوش‌اقبالی برای ممدوح

(۴) عزت و شرافت در گرو فرمان‌برداری از ممدوح است.

۱۸۹ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): ارزش هر جایگاهی به

چیزی‌ست که در آن جای می‌گیرد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بلندهمت‌ی و مناعت طبع

(۲) ازلی بودن عظمت ممدوح

(۳) تغییرناپذیری سرشت موجودات

۱۹۰ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ارزش هر مکانی به چیزی

است که در آن قرار می‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) اغراق در بلندی دیوار قصر ممدوح

(۳) تشنگی جان‌سوز کاروان امام حسین (ع) در واقعه کربلا

(۴) شهادت امام حسین (ع) و محبوبیت فراگیر آن حضرت

۱۹۱ ۲ مفهوم مشترک قطعه شعر سؤال و گزینه (۲): آزادگی و بی‌قدر دانستن

زندگی دنیوی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش مردم‌آزاری و ظلم به دیگران

(۳) تقابل آبرو و حرص

(۴) پیری مقدمه مرگ است.

- ۲۵۱ | مفهوم گزینه (۱): عشق، خامی عاشق را از بین می‌برد. / صبر و خون
دل خوردن برای رسیدن به مطلوب
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:
نکوهش بی‌ثمری
- ۲۵۲ | مفهوم گزینه (۴): بی‌تعلقی نشانه آزادی است.
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:
نکوهش بی‌ثمری
- ۲۵۳ | مفهوم بیت سؤال: نکوهش بی‌ثمری / مفهوم گزینه (۳): ستایش بی‌ثمری /
بی‌ثمری موجب نجات است.
مفهوم سایر گزینه‌ها:
(۱) توأم نبودن شرایط مطلوب / همیشه یک جای کار می‌لنگد!
(۲) هرچه بکاری درو می‌کنی. / مغرور نشدن به عبادت
(۴) سزای بی‌ثمری، سوختن است.
- ۲۵۴ | معنی درست واژه‌ها: دولت آشیان: آشیانه خوشبختی، دولت‌سرا / خذلان:
مذلت، خواری / رحمت: مهربانی، بخشش / علم کردن: مشهور کردن، سرشناس کردن
۲۵۵ | معنی درست واژه‌ها: ذائق: چشیده، مزه‌گیرنده / فتی: جوانمرد / بوم: جغد /
مُفْتَخِر: سربلند، صاحب افتخار
- ۲۵۶ | معنی درست واژه‌ها: بهجت: شادمانی، سرور / خذلان: خواری، مذلت
۲۵۷ | معنی درست واژه: ابوالعجائب: صاحب شگفتی‌ها
۲۵۸ | در این گزینه واژه «ملک» با تلفظ «مُلک» و در معنی «فرمانروایی» و
در سایر گزینه‌ها با تلفظ «مَلک» و در معنی «فرشته» به‌کار رفته است.
- ۲۵۹ | واژه «بوم» در این گزینه در معنی «سرزمین» و در سایر گزینه‌ها در
معنی «جغد» به‌کار رفته است.
- ۲۶۰ | مصدر «کشتن» در این گزینه در معنی «خاموش کردن» و در سایر
گزینه‌ها در معنی «نابود کردن» به‌کار رفته است.
- ۲۶۱ | مصدر «کشتن» در این گزینه در معنی «خاموش کردن» و در سایر
گزینه‌ها در معنی «نابود کردن» به‌کار رفته است.
- ۲۶۲ | مصدر «کشتن» در این گزینه در معنی «خاموش کردن» و در سایر
گزینه‌ها در معنی «نابود کردن» به‌کار رفته است.
- ۲۶۳ | املای درست واژه‌ها: طَبَع: سرشت، نهاد (تَبَع: تبعیت، پیروی - پیروان)
خواسته: طلب‌شده (خاسته: بلندشده)
- ۲۶۴ | املای درست واژه‌ها: طَبَع: سرشت، نهاد (تَبَع: پیروی / جمع تابع، پیروان) /
اجل: مرگ
- ۲۶۵ | املای درست واژه: بقا: جاودانگی، ماندگاری
۲۶۶ | املای درست واژه: غَزَش: صدای مهیب، فریاد ترسناک
۲۶۷ | املای درست واژه‌ها:
(۱) خذلان: درماندگی، بی‌بهرگی از یاری
(۲) نوحه: زاری، ناله
(۳) اجل: مرگ، زمان مرگ
- ۲۱۸ | استعاره: خوکان استعاره از صاحبان نالایق قدرت و حکومت
۲۱۹ | سرو: استعاره از معشوق
۲۲۰ | نرگس: استعاره از چشم / گل: استعاره از گونه / مروارید: استعاره از اشک
۲۲۱ | سرو: استعاره از معشوق
۲۲۲ | بررسی سایر گزینه‌ها:
(۲) ستاره: استعاره از معشوق
(۳) سرو: استعاره از معشوق
(۴) لعل: استعاره از لب معشوق
۲۲۳ | بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) مه: استعاره از یار
(۲) پسته: استعاره از دهان یار
(۴) لعل: استعاره از لب یار
۲۲۴ | گهر: استعاره از سخنان ارزشمند / حَقَّة لعل: استعاره از دهان / شکر:
استعاره از لب‌ها / مروارید: استعاره از دندان‌ها (۴ استعاره)
بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) سنگ: استعاره از هر انسان / گوهر: استعاره از انسان ارزشمند (۲ استعاره)
(۲) [پای همت: اضافه استعاری] / دامگاه دیو: استعاره از دنیا (۲ استعاره)
(۳) بت: استعاره از معشوق / شکر: استعاره از لبخند شیرین (۲ استعاره)
۲۲۵ | بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) این‌که نَم، جامی از خون دلم بنوشد و سخن بگوید، تشخیص است.
(۲) این‌که تصویر خیالی چهره یار سخن بگوید، تشخیص است.
(۴) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این‌که باد سلام برساند و سخن بگوید، تشخیص است.
۲۲۶ | در این بیت چهار بار آرایه استعاره به‌کار رفته است: واژگان «عید، بهار،
ماه و نگار (به معنی نقش و نگار)» همگی استعاره از معشوق‌اند.
بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) مورد خطاب قرار گرفتن روزگار و نیز این‌که روزگار بتواند فکری به حال خودش
کند، بیانگر آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است.
(۲) خندیدن گل نشان‌دهنده آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است، مخصوصاً این‌که
با صدای بلند هم بخندد!
(۴) ایستادن ابر و باران برای وداع و گریستن ابر، حاکی از وجود آرایه تشخیص
(جان‌بخشی) در بیت است.
۲۲۷ | بررسی سایر گزینه‌ها:
(۲) لعبت: استعاره از معشوق
(۳) فتنه ایام و تندی افلاک: هر دو اضافه استعاری
(۴) دامن آفاق: اضافه استعاری
۲۲۸ | بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) شهر (در مصراع دوم): استعاره از دل / هم‌چنین این‌که «راز»، «شهربند»
(زندانی) باشد و بینایی داشته باشد که در شهر دل را باز ببیند یا نه، تشخیص و
استعاره به‌شمار می‌رود.